

بیانات در جمع 110 هزار بسیجی در روز عید غدیر - 4 / آذر / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأظهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقيّة الله فى الأرضين.

الحمد لله الذى جعلنا من المتمسكين بولاية على أمير المؤمنين و الائمة المعصومين الطاهرين.

عید سعید غدیر را به همه‌ی شما عزیزانی که در این محضر عظیم و باشکوه شرکت کرده‌اید و به همه‌ی بسیجیان مخلص در سرتاسر کشور و به همه‌ی کسانی که در سراسر گیتی خود را متعهد به اسلام و حاکمیت اسلام میدانند و به همه‌ی کسانی که به نام مبارک علی بن ابی طالب احترام می‌گذارند، تبریک عرض میکنم.

عید غدیر اگرچه شاخص فرقه‌ی امامیه‌ی شیعه است، ولی در واقع با مفهوم و محتوا و مضمون گسترده‌ای که این حادثه دارد، این عید متعلق به همه‌ی مسلمانان، بلکه با توضیحی که عرض خواهم کرد، متعلق به همه‌ی کسانی است که برای بهروزی انسان دل میسوزانند.

ما شیعیان این اعتقاد را سخ را که متکی به دلیل متقن و غیر قابل تردید است، درباره‌ی امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب (علیه السلام) داریم. این حدیث متواتر - یعنی حدیث روز غدیر - را که همه‌ی محدثین بزرگ اسلام، از شیعه و سنی نقل کرده‌اند، مستند این عقیده‌ی متقن میدانیم.

پیغمبر اکرم در يك روز گرم و در يك نقطه‌ی حساس، در مقابل چشم مردم، علی بن ابی طالب (علیه الصلاة و السلام) را به عنوان امام مسلمین پس از خود و ولی امر امور اسلام معین کرد و به مردم معرفی کرد؛ «من كنت مولاه فهذا علىّ مولاة». (1) این عطف به آیات متعددی است که ولایت پیغمبر از سوی خدای متعال تثبیت شده است؛ «اتما وليکم الله و رسوله» (2) و آیات متعدد دیگر. میفرماید: آن کسی که من ولی او هستم، این علی ولی اوست. هر معنائی که ولایت در مورد پیغمبر دارد، همان معنا در مورد امیرالمؤمنین با این نصب پیغمبر و معرفی پیغمبر محقق است. این يك دلیل محکم و مستند غیر قابل تردید است. در این خصوص، بزرگان بحث کرده‌اند. لازم نیست وارد بحثهای اعتقادی بشویم؛ این مسلم است.

علی بن ابی طالب را آن روز همه‌ی مردم از نزدیک آزموده بودند؛ کسی نبود که نسبت به این نصب امیرالمؤمنین دچار تردید شود. روشن بود که این مرد فداکار مخلص دارای مرتبه‌ی عالی ایمان و تقوا، شایسته‌ی يك چنین حرکتی از سوی پیغمبر اکرم و در واقع از سوی خدای متعال است. نصب امیرالمؤمنین، نصب نبوی نبود؛ نصب الهی بود؛ این شأن پروردگار بود که پیغمبر این را به مردم مؤمن ابلاغ کرد.

امیرالمؤمنین آن روزی که به همراه پیغمبر وارد مدینه شد، يك جوان بیست و دو سه ساله بود. جوانهای بیست و دو سه ساله‌ی امروز رفتار خود را مقایسه کنند با آنچه که آن جوان ممتاز در طول تاریخ بشریت از خود بروز داد. همین جوان بود که ستاره و قهرمان جنگ بدر شد؛ همین جوان بود که در جنگ احد آنچنان درخشید که همه‌ی مسلمانها به عظمت کار او وقوف پیدا کردند؛ همین جوان بود که در امتحانهای گوناگون، در غزوات پیغمبر، در ایستادگی در برابر فشار جبهه‌ی کفر و استکبار آن روز در کنار پیغمبر ایستاد؛ همین جوان بود که به دنیا تعلق خاطر پیدا نکرد. آن روزی که پیغمبر اکرم او را - که در عین حال جوان بود - نصب میکرد، این جوان در چشم مسلمانان عظمتی داشت که این عظمت برای کسی قابل انکار نبود. هیچ کس هم این را انکار نکرده است؛ نه در آن زمان، و نه در زمانهای بعد.

ماجرای غدیر فقط نصب يك جانشین برای پیغمبر نبود. غدیر دو جنبه دارد: یکی جنبه‌ی نصب جانشین است. جنبه‌ی دیگر قضیه، توجه دادن به مسئله‌ی امامت است؛ امامت با همان معنائی که همه‌ی مسلمین از این کلمه و از این عنوان میفهمیدند. امامت یعنی پیشوائی انسانها، پیشوائی جامعه در امر دین و دنیا؛ این یکی از مسائل اصلی در طول تاریخ طولانی بشر بوده است. مسئله‌ی امامت، يك مسئله‌ی مخصوص مسلمانها یا مخصوص شیعیان نیست.

امامت یعنی يك فردی، يك گروهی بر يك جامعه‌ای حکمرانی میکنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص میکنند. این يك مسئله‌ی همگانی است برای همه‌ی جوامع بشری.

خوب، این امام دو جور میتواند باشد: يك امامی است که خدای متعال در قرآن میفرماید: «و جعلنا هم ائمة يهدون بأمرنا و اوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين». (3) این امامتی است که به امر پروردگار، مردم را هدایت میکند؛ مردم را از خطرها، از سقوطگاه‌ها، از لغزشگاه‌ها عبور میدهد؛ آنها را به سرمنزل مقصود و مطلوب از حیات دنیوی انسان - که خداوند این حیات را به انسان داده، برای رسیدن به آن مقصود - میرساند و به آن سمت هدایت میکند. این يك جور امام است که مصداق آن، انبیای الهی‌اند؛ مصداق آن، پیغمبر اکرم است که امام باقر (علیه الصلوة و السلام) در منا مردم را جمع کرد و فرمود: «ان رسول الله كان هو الامام». اولین امام، خود پیغمبر است. پیغمبران الهی، اوصیای پیغمبران، برگزیده‌ترین انسانها، از این دسته امامهای نوع اولند؛ که اینها کارشان هدایت است، از سوی خدای متعال رهنمائی میشوند، این رهنمائی را به مردم منتقل میکنند: «و اوحينا اليهم فعل الخيرات»؛ کارشان کار نیک است، «و اقام الصلوة»؛ نماز را برپا میدارند - که نماز رمز ارتباط و اتصال انسان به خداست - «و كانوا لنا عابدين»؛ بنده‌ی خدا هستند، مانند همه‌ی انسانها که بندگان خدا هستند. عزت دنیوی آنها کمترین آسیبی به بندگی خدا در وجود آنها و در دل آنها نمیزند. این يك دسته. يك دسته‌ی دیگر: «و جعلنا هم ائمة يدعون الى التار»، (4) که در قرآن درباره‌ی فرعون وارد شده است. فرعون هم امام است. به همان معنا که در آیه‌ی اول «امام» استعمال شده بود، در اینجا هم امام به همان معناست؛ یعنی دنیای مردم و دین مردم و آخرت مردم - جسم و جان مردم - در قبضه‌ی قدرت اوست، اما «يدعون الى التار»؛ مردم را به آتش دعوت میکنند، مردم را به هلاکت دعوت میکنند.

سکولارترین حکومت‌های دنیا هم، علی‌رغم آنچه که ادعا میکنند، چه بدانند، چه ندانند، دنیا و آخرت مردم را در دست گرفته‌اند. این دستگاه‌های عظیم فرهنگی که امروز نسل جوان بشر را در چهارگوشه‌ی دنیا به سمت بد اخلاقی و فساد و تباهی دارند حرکت و سوق میدهند، همان امامانی هستند که «يدعون الى التار». دستگاه‌های قدرتمند که به خاطر منافع خودشان، به خاطر حاکمیت‌های ظالمانه‌شان، به خاطر رسیدن به اهداف گوناگون سیاسی‌شان مردم را میکشاند؛ دنیای مردم هم دست آنهاست، آخرت مردم هم دست آنهاست، جسم و جان مردم در اختیار آنهاست. اینکه ادعا بشود که در مسیحیت، کلیسا به آخرت میپردازد، حکومت به دنیا میپردازد، يك مغالطه است. آنجائی که قدرت دست انسانهای بیگانه‌ی از دین و اخلاق باشد، کلیسا هم در خدمت آنها قرار میگیرد؛ معنویت هم در پنجه‌ی اقتدار آنها خرد میشود و از بین میرود؛ جسم و جان انسانها زیر تأثیر عوامل قدرت آنهاست؛ این مسئله‌ی همیشگی بشر است.

يك جامعه، یا زیر سرپرستی امام عادل است - که «من الله» است، هادی به خیرات است، هادی به حق است - یا در اختیار انسانهایی است که از حق بیگانه‌اند، با حق ناآشنایند و در موارد بسیاری با حق عناد میورزند. چون حق با منافع شخصی آنها، با منافع مادی آنها سرسازش ندارد، با حق عناد میورزند. پس یکی از این دو حال است؛ از این دو حال خارج نیست.

اسلام با تشکیل حکومت در مدینه و تشکیل جامعه‌ی مدنی نبوی نشان داد و ثابت کرد که اسلام فقط نصیحت کردن، موعظه کردن و دعوت کردن به زیان نیست. اسلام میخواهد حقایق احکام الهی در جامعه تحقق پیدا کند؛ این جز با ایجاد قدرت الهی امکان‌پذیر نیست. بعد هم پیغمبر اکرم در پایان عمر مبارکش، به دستور الهی، به الهام الهی، نفر بعد را خودش معین کرد. البته مسیر تاریخ اسلام مسیر دیگری رفت. آنچه که پیغمبر میخواست، آنچه که اسلام میخواست، این بود. این يك طرحی شد که در تاریخ ماند. نباید تصور کرد که اندیشه‌ی پیغمبر شکست خورد؛ نه، شکست نخورد؛ در آن برهه تحقق پیدا نکرد، اما این خط شاخص در جامعه‌ی اسلامی و در تاریخ اسلامی باقی ماند. امروز شما در این گوشه‌ی از دنیای اسلام نتایج آن را می‌بینید و به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، این الگو، این خط واضح، در دنیای اسلام روزبه‌روز همه‌گیرتر خواهد شد؛ این مضمون غدیر است.

بنابراین مسئله‌ی غدیر، فقط مسئله‌ی شیعه نیست؛ مسئله‌ی مسلمانان، بلکه مسئله‌ی همه‌ی انسانهاست. آنهایی

که بیندیشند، میدانند که این خط روشن، خطی است که متعلق به همه‌ی انسانهاست؛ جز این راهی وجود ندارد. اگر قدرت در اجتماعات انسانی دست شیطان‌صفتان باشد، دنیا به همان راهی می‌رود که شما امروز مظاهر آن را در دنیای مدرن مشاهده می‌کنید. هرچه دنیا مدرنتر بشود، خطر آنگونه حکومتها بیشتر میشود. البته هرچه دنیا از لحاظ علم و معرفت پیشتر برود، امکان و احتمال بروز خط هدایت هم بیشتر میشود. اینجور نیست که ما با پیشرفت علم احساس کنیم که این خط هدایت عقب افتاد؛ نه، جلو می‌رود.

امروز مجموعه‌ی بسیج عظیم مردمی، بسیج مستضعفان در کشور ما یک حقیقت روشن و آشکار است. شما یک مجموعه‌ای هستید از بوستان عظیم بسیج در کشور. این بوستان را امام بزرگوار ما به وجود آورد و با کلمات خود و منش خود آن را آبیاری کرد. این نهالها بحمدالله روزه‌روز بالنده‌تر و مثمرتر شده است. امروز بسیج در کشور ما یک حقیقت عظیم و غیرقابل انکار و بی‌نظیری است. درست است که تبلیغات دشمنان و به تبع آنها منادیان طرفدار آنها در داخل کشور سعی میکنند بسیج را کوچک کنند، تحقیر کنند و به بسیج اهانت کنند؛ اینها به خود کلام خدا هم اهانت کردند، به خود پیغمبر هم اهانت کردند. چیزی که در باطن خود دارای عظمت و درخشندگی است، با اهانت اهانت‌کنندگان و تهمت تهمت‌زندگان نه کوچک میشود، نه از درخشندگی آن کاسته میشود.

بسیج امروز در کشور ما یک حقیقت عظیم و درخشنده است؛ نمونه‌ای هم دیگر ندارد. شما نگاه کنید؛ جنسیت‌های مختلف، زن و مرد، سنین مختلف، نوجوان و جوان و میانسال و پیر و کهنسال، اصناف مختلف، از دانشجو و طلبه و استاد دانشگاه و معلم مدرسه و دانش‌آموز و کارگر و کشاورز و بازاری و بقیه‌ی اصناف گوناگون مؤمن در سرتاسر کشور، در بسیج عضویت دارند، شرکت دارند؛ یعنی هیچ مرزی از جهت صنفی وجود ندارد، هیچ مرز جنسیتی وجود ندارد، هیچ مرز قومی و زبانی وجود ندارد. الان در همین جمع، ترک و کرد و لر و فارس و بلوچ و بقیه‌ی اقوام ایرانی حضور دارند. در سرتاسر کشور هم همین جور است. بسیج یک مجموعه‌ی منتظم سازمان‌یافته‌ی دارای هدف است، با این گسترش و با این تنوع و با این کمیت عظیم و با این کیفیت ایمانی که در مجموعه‌های گوناگون، انسان نظیرش را مشاهده نمی‌کند.

شما دلتان متعلق به بسیج است. در دنیا احزاب وجود دارند، ممکن است احزاب پرشماری هم باشند - که البته شمارگان و کمیت یک مجموعه‌ی میلیونی به این عظمت که در بسیج وجود دارد، در هیچ حزبی در دنیا نظیر ندارد - اما همان کمیت‌هایی هم که در احزاب هستند، جسم آنها، زبان آنها، توانائی‌های مادی آنها متعلق به حزب است؛ معلوم نیست دلها و ایمانهاشان متعلق به آن حزب یا آن مجموعه باشد. بسیج، بسیج دلهاست؛ بسیج جانهاست؛ بسیج عواطف است؛ بسیج اعتقادات و ایمانهاست؛ و همین است که در روز سخت به کار یک ملت می‌آید. آن روزی که ملتها دچار مشکلات شوند، آنجا جسمها فایده‌ای ندارند؛ دلها باید در وسط میدان باشند، باید خشکن باشند. آنهایی که خشکنی کردند، لزوماً جسمهای نیرومندی نداشتند؛ دلها و ایمانهای محکمی داشتند که توانستند کوهها را بشکافند، راههای دشوار را طی کنند، لغزشگاهها را پشت سر بگذارند و خود را به منزل برسانند. بسیج، یک چنین حقیقتی است؛ این را باید قدر بدانیم. اول، خود بسیجی باید قدر بداند. همین طوری که الان در این میثاق‌نامه شنیدیم و این جوانان عزیز از زبان بسیجیان به زبان آوردند، آنها خدا را حمد کردند، سپاس گذاشتند، برای اینکه در بسیج عضوند. حقیقتاً همین است؛ باید خدا را شکرگزاری کرد که توفیق بدهد انسان وارد یک چنین مجموعه‌ای بشود.

اهمیت دیگر بسیج در این است که بسیج دارای یک جهت و یک بعد و متوجه یک منظور نیست. بسیج با اینکه هنر نظامی دارد و در خطوط مقدم میدان نبرد، هر جا که لازم بوده است، قرار گرفته و سخت‌ترین کارها را به عهده گرفته و انجام داده است، همه‌کاره است؛ یعنی در همه‌ی میدانها وقتی بسیج حضور داشته باشد، پیشرو است، پیشتاز است. امروز جوانان بسیجی ما در میدان علم هم پیشرو و پیشتازند. اساتید بسیجی ما هم در کار علمی جزو موفق‌ترینها هستند. هنرمندان بسیجی ما هم - آن کسانی که با روح بسیج وارد میدان هنر شدند - موفقیت‌های بیشتر و بهتری پیدا کردند و توانستند مخاطبان بیشتری را جذب کنند. در هر میدانی وقتی با روحیه‌ی بسیجی، با اخلاص بسیجی، با ایمان بسیجی، با شجاعت و شهامت بسیجی، با قدرت ابتکار بسیجی وارد شوند، میتوانند کارهای

بزرگی را انجام دهند. این، حقیقت بسیج است.

عزیزان بسیجی این را قدر بدانند و ارکان بسیجی بودن را در خودشان تقویت کنند. بسیجی بودن ارکانی دارد. همه‌ی ما باید این ارکان را روزبه‌روز در خودمان تقویت کنیم جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه‌ی اول، روحیه‌ی اخلاص و روحیه‌ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می‌گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیکتر میکند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر میکند. «اللّٰهُ وَلِيّ الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود، انسان میتواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمیتواند ببیند؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُم الطَّاغُوتُ يَخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». (5)

وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هوی‌های نفس - که طاغوت حقیقی‌اند و در وجود خود ما بدر از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه‌طلبی‌ها و حسادت‌ها و دنیاطلبی‌ها و هوی‌پرستی‌ها و شهوترانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمیتوانیم مشاهده کنیم.

دیدید بعضی‌ها نتوانستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه‌ی طراحی‌شده‌ی پیچیده‌ی سال 88 حقایق جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده‌ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ ندیدند، نفهمیدند. وقتی در یک کشور فتنه‌گرانی پیدا میشوند که برای جاه‌طلبی خودشان، برای دست یافتن به قدرت، برای رسیدن به اهدافی که به صورت آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند، حاضر میشوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری میکنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه‌ی یک ملت ایران به هیجان می‌آیند و سر شوق می‌آیند و از آنها حمایت میکنند، این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند، بعضی نمی‌بینند، بعضی درک نمیکنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل، حتی درک هم میکنند، اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ اینها همه عوارض هوای نفس است؛ اینها همه نتیجه‌ی امر و نهی همان فرعون درونی ماست، همان فیل مست هوی و هوس است که شرع مقدس چکشی از تقوا و ورع به دست مؤمن میدهد که بر سر این فیل مست بکوبد و او را آرام کند. اگر توانستیم این را در وجود خودمان آرام کنیم، آن وقت دنیا نورانی خواهد شد، همه چیز را می‌بینیم، چشم ما می‌بیند؛ اما وقتی هوی‌پرستی باشد، نمی‌بیند. شما که بسیجی هستید، جوان هستید، دل‌های شما پاک است، نورانی است، با صفای باطن خودتان میتوانید این روحیه را، این حالت را در خودتان تقویت کنید. بسیجی باصفاست، نورانی است.

عزیزان من! بسیجی شدید، مبارک است؛ اما بسیجی بمانید. ایستادگی در راه، مهم است. بسیجی ماندن متوقف به این است که دائم خودمان را مراقبت کنیم، مواظبت کنیم و از راه بیرون نرویم. ملت ایران کار بزرگی انجام داده است. کار بزرگ این است که دنیائی را که یکجا و چهاراسبه به سمت جهنم حرکت میکرد و میتاخت، یک نهیب زده است، یک بخشی را جدا کرده است. امروز جمعیت‌های عظیمی از مردم دنیا متوجه حقیقت شده‌اند و ملت ایران به عنوان پیشتاز و پیشرو، راه را تغییر داده است و مسیر را عوض کرده است. مسیر جوامع انسانی باید به سمت خدا باشد، باید به سمت بهشت باشد، باید به سمت حقیقت باشد. خوب، بدیهی است که شما ملت ایران این کار بزرگ را انجام داده‌اید. اهل باطل که ساکت نمی‌نشینند. آن کسانی که وجودشان وابسته‌ی به باطل و ناحق است، وابسته‌ی به ظلم است، وابسته‌ی به لگد زدن بر سر ملت‌هاست، اینها که آرام نمی‌نشینند که ملت ایران فریاد حقیقت و هدایت بدهد، دنیا را بیدار کند، بشریت را بیدار کند؛ اینها معارضة میکنند.

البته اگر ما ایستادگی‌مان را ادامه دهیم، این معارضة نهایت روشنی دارد؛ «و لینصرنّ اللّٰهُ من ینصره». (6) خدای متعال به تحقیق و بدون تردید نصرت را برای کسانی قرار داده است که به طرف حق حرکت میکنند و دعوت میکنند؛ و ما این را تجربه کرده‌ایم. سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش میکنند، کار میکنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روزبه‌روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. امروز قدرت ایستادگی ما از بیست سال پیش بیشتر است، از سی سال پیش بیشتر است؛ این تجربه‌ی ماست. پس نهایت این مبارزه، پیروزی اسلام و مسلمین است. اما باید توجه داشته باشید که درگیری و چالش وجود دارد؛ باید

خودتان را آماده نگه دارید، خودتان را به روز نگه دارید، بصیرتتان را به روز نگه دارید، اخلاصتان را به روز نگه دارید، به روز بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است. ان شاء الله شما جوانها آن روزی را شاهد خواهید بود که به قله‌های افتخار دست پیدا کردید و همچنان که قرآن وعده کرده است: «لتكونوا شهداء على الناس»، (7) شهیدان و گواهان مردم دنیا شدید و در قله‌ها باشید، که ملتها به شما نگاه کنند و به سمت این قله‌ها حرکت کنند.

پروردگارا! فرج ولایت را، فرج دردانه‌ی عزیز عالم خلقت را روزبه‌روز نزدیکتر بفرما. پروردگارا! ما را از متمسکین به ولایت او و ولایت اجداد طاهرینش قرار بده. پروردگارا! ما را به معنای حقیقی کلمه، مؤمن، بسیجی و انقلابی قرار بده. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ملت عزیز و عظیم‌الشأن ایران را به آرزوهای بزرگ خود برسان. روح مطهر امام بزرگوارمان و ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز را مشمول الطاف و فیوضات دائمی خود بگردان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) کافی، ج 1، ص 420

(2) مائده: 55

(3) انبیاء: 73

(4) قصص: 41

(5) بقره: 257

(6) حج: 40

(7) بقره: 143